

یا احمد اسمع النداء من شطر الکبریاء من سدرۃ المنتهى عن یمین بقعة النوراء ...

حضرت بهاء الله

نسخه اصل فارسی



از الواح حضرت بهاء الله - بر اساس نسخه موجود در "کتابخانه آثار بهائی" در مرکز جهانی بهائی
- شماره ۷۰۹

بسمی الذی سخر اللوح و القلم و المعانی و البیان

یا احمد اسمع النداء من شطر الکبریاء من سدرۃ المنتهى عن یمین بقعة النوراء انه لا اله الا انا الفرد الواحد العليم الخبير قد
انزلنا الآيات و اظهرنا البينات و خرقنا الأجباب على شأن اضطربت به افئدة الذین کفروا بالله رب العالمین قد فاز من اقبل
و سمع و خسر الذین انکروا حجة الله و برهانه الا انهم من المعتدین فی کتاب الله العزيز الحمید

قد حضر لدى المظلوم ما ارسلته سمعنا ما فيه اجبتك بهذا الكتاب الذي خضعت له كتب العالم يشهد بذلك من ينطق انه
لا اله الا انا السامع البصير قد فك ختم الرحيق بيد الاقتدار و خرقت السبحات امراً من لدن مقتدر قدیر یا احمد یا احمد
انظر الى الأفق الأعلى تالله قد اوضحنا السبیل و اظهرنا الدلیل و اجرنا من معین قلبی الأعلى کوثر البقاء طوبی لمن تقرب و
اخذ و شرب باسمی المهيمن على من فی السموات و الأرضین و وبل للذین منعوا و غفلوا عن هذا الفضل الأعظم و کفروا
بالذی آمنوا به الا انهم من المیتین فی کتاب الله العزيز العظيم قد خرقنا الأجباب على شأن سمع کل ذی اذن صوت خرقها
ان ربک هو المقتدر على ما يشاء و هو القوى الغالب القدیر طوبی لك بما فزت بأثر قلبی مرة بعد مرة و هذه کرة اخرى
فضلاً من عندی و انا الفضال الکريم فکر فيما نزل من سماء مشیة ربک انه یعرفک ما اردت عرفانه و يبلغک الى سماء
العلم اذا ترى الأمر مشرقاً من افقها ان ربک هو المؤید الحکیم ان الأمر اظهر من الشمس فی وسط السماء سوف تعلم و
ترى ما سألته من عتمان علم ربک العالم الغفور الرحیم البهاء المشرق من افق سماء رحمتی علیک و علی من معک و علی من
فاز بالاستقامة الکبری فی هذا الأمر العظيم الذی به ارتعدت فرائص العالم و انصعق کل جاهل بعيد

بلسان پارسی احلی بشنو ندای مظلوم را که از شطر سجن تکلم مینماید یا احمد امر اظهر از شمس و ارفع از سماء مشاهده
میشود در آیات منزله نظر نما و تفکر کن انها تعرفک حق العرفان و تقربک الى صراط واضح مستقیم در حزب شیعه تفکر
نما از قبل از قلم اعلی امر نمودیم کل را بتفکر در این حزب غافل در قرون و اعصار بذکر حق جلّ جلاله ناطق و ایام
لقائش را سائل و آمل و چون فجر ظهور طالع و مشرق کل بر اعراض و اعتراض قیام نمودند در ثمرات اعمال آن نفوس



ORIGINAL

تفکر نمائید در سنین اولیه جمیع علمای ارض ش و ارض صاد و ارض خاء و مداین اخری و تبعه آن نفوس فتوی بر قتل سید عالم دادند مکتوب علمای ارض ش و ارض صاد بحضور آمد و بلحاظ رسید آن قلبی الاعلی لا یحب ان یدکر ما ذکروه تو میدانی که چه گفتند و چه کردند نتایج کل در یوم حساب ظاهر و ثمرات اعمال در او مشهود از صدر اسلام اکثری در بحر اوهام و ظنون مستغرق بعد خاتم انبیا روح ما سواه فداه و ائمه طاهرین دو نفس بحق واصل و بطراز آگاهی مزین مرحوم شیخ و سید علیهما بهاء الله الابهی و تأیید بر عرفان سید بشر آن دو نفس نمودند انا معهما و سمعنا منهما ما لا اطلع به احد الا الله العليم الخبير بشرافت آن دو نفس نفوس مقبله بشر شین توجه نمودند و بمطلع فیض و مشرق علم فائز گشتند و این از فضل آن دو وجود مبارک بود یشهد بذلک کل منصف بصیر و کل عالم خبیر

یا احمد در مقامی این کلمه علیا از قلم اعلی جاری و نازل قولی عجب سگری و عجب غفلتی کل را اخذ نموده از صدر اسلام تا اول یوم ظهور نفسی از علمای شیعه بر کیفیت ظهور و کون آن جوهر وجود در اصلاص آگاه نه این شأن علمای قبل که بقدر سم ابره دارای علم نبودند اگر در این مقام فی الجمله تفکر نمائید صیحه زیند و حق مقتدر را در لیالی و ایام حمد نمائید که کشف نمود و خرق فرمود و کلمه مذکوره در جواب مجمع منشاء نازل صورت آن را بخط زین المقربین علیه بهاء الله ارسال نمودیم تا ملاحظه نمائید و بر ظنون و اوهام و غفلت اهل بیان اطلاع کامل حاصل شود ارتکاب نمودند آن حزب آنچه را که یهود و نصاری و سایر احزاب عالم مرتکب نشدند بلی معدودی از حزب شیعه در زمان غیبت آگاه شدند و لکن از سطوت علما اظهار نمودند و بافق اعلی شتافتند فساد این فرقه اظهار از شمس است در وسط سماء در اول ایام کل بسب و لعن و طرد مشغول غفلت این نفوس بمقامی بوده که بر منابر ذکر سید الشهداء علیه بهاء الله الابهی را مینمودند و میگریستند و بعد بر نفسی که بکلمه او هزار حسین در مشهد فدا جان داد لعن و سب مینمودند و از منبر رو بسقر میشتافتند و بعد آن جناب عالمند که این مظلوم بچه قسم امام عالم قیام نمود نه ضوضای علما او را مانع شد و نه سطوت امرا جمیع اهل امکان را بافق رحمن دعوت نمودیم تا آنکه بعضی از اهل ایران بافق اعلی اقبال نمودند ایشانند جواهر خلق و همچنین نفوسی که در این اراضی از اهل جماعت بنور یقین فائز گشتند و همچنین از ابنای خلیل و وراث کلیم یا ایها الناظر الی الوجه و الشارب رحیق الفضل اگر حضرت مبشر روح ما سواه فداه در این اراضی ظهور مینمود حال اکثر خلق را از اهل حق مشاهده مینمودی چه که اوهمات حزب شیعه از جابلقا و جابلسا و ناحیه مابین این نفوس نبوده و نیست یا احمد این اوهمات سبب سفک دم سید عالم شد این اوهمات از که صادر و که سبب منع اهل ایران گشت اگر نفسی کلهئی بغیر آن تکلم مینمود فتوی بر قتلش میدادند تفکر نما و بعین خود مشاهده کن که شاید بعروه معانی و بیان غافلین را از بئر اوهام نجات دهی و باشرافات انوار آفتاب یقین فائز نمائی

یا احمد عالم را بگذار فوق آن طیران نما قلم اعلی ممنوعست و لکن مع منع اهل عالم و قیام کل بر اعراض اصبع قدرت بعضی از حجابات را شق نموده عالم بصیر و عارف خبیر را آگاه فرموده میزان عنایت شد هر کلهئی را بآن بسنج در ثمرات اعمال احزاب تفکر نما در یک مقام همان میزان حق است چه که نفوس را معرفت مینماید لکن امید هست عالم بنور توحید حقیقی فائز شود شرک بالمره از میان برخیزد بحق وحده ناظر باش اینست وصیت مظلوم آن جناب و دوستان الهی را بیانی صاحب بیان در باب ثانی از واحد ثامن میفرماید قوله عزّ بیان

اینست سر قول مرحوم شیخ در وقتی که کسی از ایشان سؤال نموده بود از آن کلهئی که حضرت میفرماید و سیصد و سیزده نفر که در آن روز اتقیای آن ظهورند متحمل نمیشوند و حضرت صادق ذکر کاف در حق ایشان میکند بعد از

نهی بسیار که نمیتوانی متحمل شوی فرموده بودند که اگر حضرت ظاهر شود و بگوید که دست از ولایت امیر المؤمنین بردار تو بر میداری فی الفور ابا و امتناع نموده بود که حاشا و کلاً و ظاهر است نزد اهل حقیقت که کلمه را از لسان حضرت باو شنودند و او چون متحمل نشد کافر شد ولی ملتفت نشد و این از آنجائست که نظر بمبدأ امر نمیکند انتهی

حال در بحر این بیان که از لسان نقطه و شیخ جاری شده تفکر نما تا مقام حق را مقدس از کل بدانی و کل را بکلمه مخلوق مشاهده نمائی چه مقدار نیکوست این کلمه در آخر بیان حضرت که میفرماید این از آنجائست که نظر بمبدأ امر نمیکند چه اگر نظر بمبدأ نمایند یعنی نفس ظهور مادونش را بکلمه اش قائم مشاهده نمایند یا احمد مقام ظهور فوق آنست که عباد از او ذکر مینمایند اذاً اشراق نور التوحید و طفئت سرج الأوهام و الظنون یا ایها الطائر فی هواء حی اعلم انّ ملأ البیان اخسر من ملل القبل کلّها چه که بعد از کشف سبحات و خرق حجابات و ظهور نور ظهور و ندای مکلم در طور گفته اند آنچه را که هیچ مشرکی نگفته باوهامات قبل متمسکند و در اضلال خلق ساعی و جاهد بیانات نقطه اولی را آنچه مخالف ایشانست بتحریف نسبت میدهند باری اوهامات قبل لایق ذکر نه حیف است قلم و لسان بآن مشغول شود قل

الهی الهی قد اقبلت الی افق امرک و وجهت وجهی الی انوار وجهک اسألك بأن تؤیّدنی علی استقامة بها یستقیم عبادک علی امرک و القیام علی خدمتک الهی الهی اجد عرفک من بیانک و ما فزت بمقام علیه استقرّ عرش عظمتک ای ربّ شرفنی بلقائک و زیارة جمالک و کوثر وصالک او تکتب لی من قلبک الأعلی اجر القائمین امام وجهک و الواقفین لدی باب رحمتک الهی الهی ترانی مقبلاً الیک و آملاً فیوضاتک و عنایاتک اسألك بأسرار علمک و ما کان مستوراً عن اعین خلقک بأن تؤیّدنی علی القیام علی ذکرک و ثنائک و خدمة امرک انک انت المهیمن العلیم الحکیم

و اما حکم الصوم قد انزله الله فی کتابه الأقدس لا ریب فیہ انه نزل من لدن علیم حکیم صوم و صلوة آنچه نازل شده تغییر نیافته ولكن حکمت واجب است چنانچه تا حین غالباً بشریعت فرقان عمل شده اگر بالمره امام وجوه غیر آن ظاهر شود فصل اکبر بمیان آید دیگر احدی تقرّب نجوید تا اصغای کلمه الله نماید در هر حال عفو الهی شامل حال آن جناب بوده و هست ولكن سایرین باید بحکمت تمسک نمایند و بذیلش تشبث این بیان رحمتی است از برای دوستان و فضلی است از برای حزب الله لثلاً یرفع ضوضاء کلّ عالم جاهل و کلّ معرض منافق یا احمد صلوتی نازل شده اگر قرائت نمائی مشتعل شوی اشتعالی که عالم بر منع آن قادر نباشد ولكن حکمت اظهار را منع نموده حزب الله را از قبل حق تکبیر برسان بگو کل لدی المظلوم مذکورید و ذکر هر یک از عباد و اماء از قلم اعلی جاری در آنچه ظاهر شده تفکر نمائید و بحق توسّل جوئید انه یفتح علی وجوهکم ابواب الفضل و یهدیکم الی سواء الصراط از آنچه سزاوار این یوم است غافل نشوید و بر تدارک آن قیام نمائید کذلک ینصحکم المظلوم من شطر السّجن و یدعوکم الی ما یقرّبکم الی الله الفرد الواحد العلیم الخبیر

یا احمد مکرر ذکر مینمائیم فضلاً علیک لتشکر ربّک الذّاکر العلیم مقصود از آنچه ذکر شد آنکه ناس را آگاه نمائی تا کل گواهی دهند بر آنچه از قلم اعلی جاری شده تا حال مقام نفس ظهور مستور بوده احدی بنور توحید حقیقی فائز نه الا من شاء الله مقصود آنکه مقام ظهور معلوم شود مثلاً رسول الله روح ما سواه فداه مظهر یفعل ما یشاء و یحکم ما یرید است و بر عرش لا یسأل عمّا یفعل مستوی در این مقام شریک و شبیه از برای او نبوده و نیست بلکه احدی در آن ساحت مذکور نه و کل بکلمه او خلق شده اند و از این بیان بر مراتب هیچ یک نقصی وارد نمیشود طوبی از برای نفسی که مراتب و مقامات را تمیز دهد اوست از اهل بصر در منظر اکبر در این بیان منزل بیان تفکر نما که میفرماید اگر نفس ظهور بفرماید این شجر حجت است حجت است نفس ظهور مقدّست از شئونات دونش کل بکلمه او خلق میشوند و این

مقام باقی مادام منحرف نشود و بعد از انحراف از اهل نار مذکور و محسوب امروز یوم الله است لا یدکر فیہ الا هو امروز است روز توحید حقیقی طوبی للفائزین اگر نفسی صریر قلم اعلی را در غیاهب این کلمات بیابد خود را در عالم تازه بیند و بنور توحید حقیقی فائز شود اختم القول انه لا اله الا انا الفرد الواحد المقتدر المهيمن القيوم

یا احمد علیک بهائی ذکر صوم و صلوة مجدد میشود تا معلوم و واضح گردد صوم بیان لدی الرحمن بطراز قبول فائز و در کتاب اقدس حکمش نازل و اما الصلوة انها نزلت من قلبي الأعلى علی شأن تشتعل به الصدور و تنجذب به الأفئدة و العقول ولكن تا حین احدی بآن فائز نشده مگر بعضی از طائفین ان ربک امر الكل بالحكمة انه هو العليم الحكيم و حکم صوم قبل مخصوص عباد این ارض بوده چه که ترک آن سبب ضوضا شد امروز آنچه مطابق حکمت است باید بآن تمسک نمایند آن جناب بطراز فضل مزینند لیس لک ان تصوم و لک ان تقوم علی خدمة الأمر بالروح و الریحان و بالحكمة التي انزلناها فی الزبر و الألواح ان ربک يفعل ما يشاء و يحکم ما يريد انه هو المقتدر القدير انظر ثم اذكر ما نطق به النقطة قوله انه لو يحکم علی الأرض حکم السماء و علی السماء حکم الأرض لیس لأحد ان يقول لم اوبم و من قال انه كفر بالله رب العالمين البهاء علیک و علی من معک و علی من یحبک لوجه الله العزيز الحمید